

«کاش تقدیر قدر امسال ما، طلوع فجر صبح و برآمدن صبح سلام باشد»^۱

مقدمه

قرآن، این کلام محکم الهی، ماه مبارك رمضان را ماه نزول خود معرفی می‌کند، رضانی که از دیرباز ارجمند بوده، باید تا قیام قیامت، ارج نهاده شود؛ بنابراین به پاس حرمت آن فرمود: **فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ** [۱]. از سویی دیگر، شبی مبارك، یعنی شب قدر را محمل گاه نزول خود می‌شمرد: **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ** [۲] و **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدَرِ** [۳] قدری که در لغت به معنای اندازه و اندازه‌گیری و تعیین است [۴] و در اصطلاح، یعنی ویژگی هستی، وجود هر چیز و چگونگی آفرینش آن، یعنی اندازه و محدوده وجودی هر چیز؛ [۵] پس قرآن در شبی نازل شد که همه مقدرات، تقدیر می‌گردد و قالب معین و اندازه خاص هر پدیده، روشن و اندازه‌گیری می‌شود، همچنان که امام رضا علیه السلام در تبیین شب قدر فرمود: **«لَيْلَةُ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَ فِيهَا يَفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ وَ هُوَ رَأْسُ السَّنَةِ وَ يَقْدَرُ فِيهَا مَا يَكُونُ فِي السَّنَةِ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ أَوْ مَضَرَّةٍ أَوْ مَنْفَعَةٍ أَوْ رِزْقٍ أَوْ أَجَلٍ وَ لِذَلِكَ سُمِّيَتْ لَيْلَةُ الْقَدْرِ**» [۶]. آری! شبی که راه سعادت بشر در آن تعیین گردید و فرقانی نازل شد که تا روز **«وَأَمْتَاؤُوا الْيَوْمَ أَبَیْهَا الْمُجْرِمُونَ»** [۷] روز جدایی حق از باطل، چراغی شود برای همه آنهایی که می‌خواهند، هدف هستی‌بخش خود را در **«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»** [۸] امتثال بخشند تا او هم به پاس این اراده آنها، نوری سبز را در یکی دیگر از این شب‌های رضانی تقدیر سرنوشت، در سرنوشت آنها قرار دهد. **«وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ»** [۹] و این گونه شود **«وَيَدْخُلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»** [۱۰].

بدیهی است که هر سال، رضانی دارد و نگاهی به سوره مبارکه دخان و قدر نیز نشان می‌دهد که هر رضانی هم در خود، شبی مبارك به نام شب قدر دارد، چرا که افعال مضارع «يفرق» و «تنزل» در آیات **«فِيهَا يَفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»** [۱۱] و **«تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ»** [۱۲] دلالت بر تکرار، بقا، تجدد و دوام دارند؛ همچنان که استفاده از «القدر» که معهود ذهنی بودن آن را نزد مخاطبان آیه بیان می‌نماید. معلوم می‌کند که از همان زمان که بشر، آماده فراگرفتن شریعت و قوانین گردید و به رشد و بلوغ رسیده، پیغمبران و گیرندگان وحی و الهام در میان مردم برانگیخته شدند. لیلہ القدری داشتند که اصول معارف و شریعت در آن، مقدر می‌گردیده، همچنان که امور مادی يك ساله آن‌ها نیز تعیین می‌شده است؛ اما با توجه به این مطلب که **لَيْلَةُ الْقَدْرِ** برای پیغمبران و برگزیدگان امت‌ها، به صورت‌های

^۱. سرکار خانم زهرا ژرفی یگانه

مختلف بوده، با تکامل نبوت و شریعت، پیوسته کامل تر گردیده، تا آن که قرآن جامع و کامل در آن، یکجا بر خاتم پیغمبران ﷺ نازل شد.

ولی باز هم، لَیْلَةُ الْقَدْرِ هایی وجود دارند، درست مثل رمضان که هر ساله در حال تکرار شدن است؛ لَیْلَةُ الْقَدْرِ ها، جدا کردن امور و فرستادن آنها به وسیله ملائکه و روح؛ همان طور که در زمان رسول مکرم اسلام ﷺ، تفریق امور و فرستادن آنها، صورت می گرفته، به طور یقین فرشتگان و روح، این امور را در آن برهه زمانی بر آن شخصیت بزرگوار نازل می کرده اند چرا که از نظر قرآن، نزول ملائکه و روح، این حاملان امر، جز برای افراد خاصی امکان پذیر نیست: یَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ [۱۳] و یَلْقَى الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ تا جایی که به صراحت آن را مخصوص برگزیده خلقت می شمرد: وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا [۱۴] پس احتمال نزول ملائکه و روح در شب قدر برای بالا بردن اعمال مؤمنین یا ورود در مجالس انس و همراهی آنان در عبادت، منتفی است؛ افزون بر این که لَحْنِ نَزْلِ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا [۱۵] حاکی از امری فوق العاده در این شب است که باعث وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَیْلَةُ الْقَدْرِ [۱۶] شده، در حالی که نزول ملائکه برای احتمالات یاد شده، امری عادی است که ممکن است در شب های مبارك دیگری همچون شب نیمه شعبان و ... هم اتفاق بیفتد.

پس باید در شب های قدر دیگر نیز، فرشتگان و روح بر کسی، نازل شوند و امر را بر وجود او عرضه، کشف یا تبیین و تحکیم کنند؛ کسی که بیشترین سنخیت را با افراد دارای این مقام در گذشته و بالآخر وجود مبارك پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ داشته باشد، یعنی کسی که به افق نبوت، نزدیک باشد.

بنابراین شب قدر و تقدیر هر ساله، صاحبی دارد و این، چیزی غیر از فرمایش مولای متقیان امیرمؤمنان علی علیه السلام نیست که فرمود: إِنَّ لَیْلَةَ الْقَدْرِ فِی كُلِّ سَنَةٍ وَإِنَّهُ یُنْزَلُ فِی تِلْكَ اللَّیْلَةِ أَمْرٌ أَلَسَنَةٍ وَإِنَّ لِدَلِکَ الْأَمْرِ وَلاَءَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ [۱۷].

صاحبی که تا زمانی که آن شب مبارکه، شب قدر و به عبارتی، ماه رضانی هست؛ باید باشد.

صاحبی که طبق آیات وحی باید محل نزول ملائکه و روح و از صاحبان امور باشد و همین وحی، تنزیل ملائکه و روح را بر چنین افرادی می شمارد: یَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ [۱۸] و إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ [۱۹] افرادی از بندگان شایسته خدا که راه ایمان را به حقیقت برگزیده، تا آخر در آن مانده اند؛ در کنار این که از صاحبان امور در جایگاه کسانی یاد می کند که اطاعت آنان در کنار اطاعت خدا و رسول بزرگوارش است أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ [۲۰] همان هایی که اگر به آنها رجوع شود، منابع و معادن علوم در وجودشان کشف می گردد وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ [۲۱]

صاحبان اموری که ملائکه در شبی که فيها یفرقُ كُلُّ امرٍ حکیم، آن را بر این وجوه الهی فَأَيِّمًا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ [۲۲] عرضه می‌دارند.

حال سؤال این است که چه کسی ادعای ولایت و امری را برای خود یا دیگری دارد که به وسیله فرشتگان و روح بر او نازل شده است و می‌شود؟ آیا در میان جهانیان، کسانی غیر از سلاله نبوت، برگزیدگان رسالت و عترت بهترین آفریده آفریدگار جهان هستند که لباسِ إِنْ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا را به زیباترین و کامل‌ترین شکل بر تن کرده و لباسِ التَّقْوَى ذَلِكْ خَيْرٌ تا شایسته منزلگاه شدن نزول ملائکه و روح، گشته باشند برای دریافت امور که اولی الامری شوند که اطاعت آنان بر تمامی بندگان و کائنات واجب است؟ اولی الامری که تا جهان هست، باید کسی از آنها باشد؛ چرا که تا جهان هست، سال و ماه رمضان و شب مبارک قدری هست و تا این شب هست، باید محلی مقدس برای نزول تقدیسی ملائکه و روح باشد؛ از همین رهگذر است که پنجمین معدن علم فرمود: «ای جماعت شیعه! با دشمن خود به سوره «انا انزلناه» مواجه کنید که پیروز خواهید شد؛ پس سوگند به خدا! که این سوره برای حجت خداوند بعد از رسول ﷺ است؛ همانا این سوره مدرک دین شما و نهایت علم ماست؛ ای جماعت شیعه! با «حم و الکتاب المبین» بحث کنید؛ زیرا این آیه، اختصاص به والیان امر بعد از رسول خدا ﷺ دارد [۲۳].

به بیانی دیگر، هر کس قرآن را در جایگاه کلام خدا پذیرفت؛ همه سوره‌ها و آیات آن را پذیرفته، تسلیم محض تمامی آنها گشته است.

پس لاجرم باید سوره قدر و از آن سوره، شب قدر و استمرار آن را تا روز قیامت بپذیرد و لازمه پذیرفتن آن، قبول این مسئله است که در شب قدر، فرشته‌ها و روح از طرف پروردگار با هر امری، فرود می‌آیند و این امر، سرپرست و ولی می‌خواهد که متولی آن امر باشد و گرنه کافر به بعض آیات قرآن خواهد بود که در چنین صورتی، بنا بر بیان خود قرآن، کافر واقعی است وَ يَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضٍ ... أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا [۲۴]

شاید فرمایش پیامبر خاتم ﷺ هم با توجه به این مطلب بوده، که فرمود: «من انکر المهدی فقد کفر؛ هر کس وجود مهدی را انکار کند، رهسپار دیار کفر شده است» [۲۵].

آری! مهدی، همان اولی الامر زمانه ماست، کسی که ملائکه و روح در برابر او فروتنی می‌کنند؛ از اعلیٰ علیین آسمان‌ها پایین آمده، تا به قرب او نایل شوند، عرض ادبی نمایند و دفتر تقدیر امور کائنات را نزد او بگشایند تا دستان مبارکش، مهر تأیید بر آن زند، چرا که خوب می‌دانند، بدون تصدیق او در سال آتی، هیچ پلکی بر هم نمی‌رود، هیچ برگه از درخت، فرو نمی‌افتد و حتی هیچ هدایت و گمراهی حاصل نمی‌شود؛ از این روست که عده‌ای به امید نیم نگاهی از آن ولی مهربان، شب تقدیر خویش را با زمزمه عاشقانه «اللهم کن لولیک» سپری می‌کنند تا رسم عاشقی را به جا آورند؛

شکواییه هجران را در می‌نوردند؛ به امید وصل و دیدار، بیدار می‌نشینند تا از جام ظهور «سلام» تا «مطلع فجر» سرمست شوند.

نتیجه:

بله! رمضان دعوت به ضیافتی است، ضیافتی برای تناول از مائده تقوا، اما همه آن‌ها، تنها نُزُلِی است برای شبی، شبی برای بازیافتن خود گمشده، خود عاشقی که هجرانی طولانی، او را از معشوق حقیقی‌اش دور داشته، تلنگری می‌طلبد؛ تا شروع کند؛ از تناول مهجوری و درازی دوران دوری، شکوه کند؛ آرزوی ظهور صبح روشن وصال به امید رهایی از شب تاریکی هجران و غیبت را نماید و....

پی‌نوشت‌ها:

- [۱]. سوره بقره، آیه ۱۸۵.
- [۲]. سوره دخان، آیه ۳.
- [۳]. سوره قدر، آیه ۱.
- [۴]. قاموس القرآن، سید علی اکبر قریشی؛ ج ۵، ص ۲۴۶-۲۴۸.
- [۵]. المیزان، سید محمد حسین طباطبایی؛ ج ۱۲، ص ۱۵۰ و ۱۵۱.
- [۶]. نورالثقلین، عبد علی حویزی؛ ج ۸، ص ۲۶۵.
- [۷]. سوره یس، آیه ۵۹.
- [۸]. سوره ذاریات، آیه ۵۶.
- [۹]. سوره مجادله، آیه ۲۲.
- [۱۰]. همان.
- [۱۱]. سوره دخان، آیه ۴.
- [۱۲]. سوره قدر، آیه ۴.
- [۱۳]. نحل/۲.
- [۱۴]. شوری/۵۲.
- [۱۵]. قدر/۴.
- [۱۶]. قدر/۲.
- [۱۷]. اصول کافی، کلینی؛ ج ۱، باب فی شأن انا انزلناه، ص ۲۴۷ و بحارالانوار، علامه مجلسی؛ ج ۲۵، باب ۳، ص ۷۸.

[١٨]. نحل/٢.

[١٩]. فصلت/٣٠.

[٢٠]. نساء/٥٩.

[٢١]. نساء/٨٣.

[٢٢]. بقره/١١٥.

[٢٣]. اصول کافی، کلینی؛ ج ١ و کتاب الحج، باب فی شأن ليله القدر، ص ٢٤٩.

[٢٤]. نساء/١٥٠ و ١٥١.

[٢٥]. بحار الانوار، علامه مجلسی؛ ج ٥١، ص ٥١.